

حجاب بی حجاب! جنبشی که حکومت را تکان داد

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مرداد ۱۴۰۱، ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۲
صفحه ۳



در مورد کارزار نجات جمشید شارمهد از اعدام

دو سوال از مینا احدی و اصغر کریمی
صفحه ۴

جمهوری اسلامی حکومت سیل و فاجعه

شهلا دانشفر
صفحه ۵

حجاب بی حجاب!

حمید تقوایی
صفحه ۶

یورش و حمله به زنان و بازداشت آنان هم جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
صفحه ۹

گروگانی در آستانه اعدام!

کمیته تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۹

کارزار اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری

شهلا دانشفر

صفحه ۱۰

آخرین اخبار از معلمان دربند و از کارزارها

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۱۰

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۸۲

جمعه ۷ مرداد ۱۴۰۱ - ۲۹ جولای ۲۰۲۲

خامنه ای و وحشت در راس مرداب اسلامی

کاظم نیکخواه

حجاب، همان تلاش های ناکام در حال تکرار است". مدتهاست که از رفتار و وجنات حاکمین وحشتشان را آشکارا میشود دید. حکومت اسلامی از یک طرف معلم و بازنشسته و زنان معترض را دستگیر میکند و برای کارگران و معلمان سناریو سازیهای مسخره و نخ نما راه می اندازد، گشتهای ارشادش را به خیابانها گسیل میکند، و زندانهایش را از معترضین پر کرده است، و از طرف دیگر امام جمعه هایش را تشویق میکند که تلاش کنند قلب مردم را بدست آورند!

اما این تقلابی از سر استیصال است. خامنه ای خوب میداند که اوضاع خرابتر از آنست که بشود داد. با سرکوب و دستگیری و آدم ربایی و رجزخوانی نتوانسته اند به جایی برسند و مردم را ساکت کنند. آخوندها و گشتهای ارشادشان در خیابانها از مردم کتک میخورند و تحقیر میشوند و فراری داده میشوند، دختران و پسران جشن و پارتی میگیرند و حکومتیان را به تمسخر میگیرند، مردم گرسنه و معترض در خیابانها به سران حکومت ادامه در صفحه ۲

خامنه ای این هفته امام جمعه ها را جمع کرد تا به آنها هشدار بدهد که تلاش کنند با تغییر رفتار خود قلب مردم را بدست بیاورند! تذکرات او به امام جمعه ها قابل توجه است. او به امام جمعه ها که منفورترین بخش حکومت هستند دستور داد که "سلوک مردمی" داشته باشند و به میان همه مردم بروند و فقط به یک بخش ارتباط نداشته باشند، به جوانان توجه بیشتری بکنند، حرفهای "پر مغز" بزنند، و مهمتر از همه از فعالیت اقتصادی دست بردارند و بقول حکومتی ها "طهارت اقتصادی" داشته باشند!

شان نزول این تذکرات را خامنه ای در میان صحبتهایش بیان کرد و به فضای جامعه و مبارزات زنان و جنبش حجاب بی حجاب اشاره کرد و نشان داد که وحشت اصلی خامنه ای از کجا آب میخورد. بنا به گزارش روزنامه های دولتی "رهبر انقلاب در ادامه به مسائلی که در روزهای اخیر درباره موضوع زن و حجاب مطرح است اشاره کردند و گفتند: این موضوعات از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همواره مطرح بوده است و اخیراً هم بار دیگر به بهانه



بسیاری از مردم دیگر حتی دغدغه دستگیری و زندان رفتن ندارند. دختران و زنان به گشتهای ارشاد و خواهر زینب ها حمله میکنند و به آنها میگویند بیاید ما را بگیرید. به این جامعه گند زده آید و دیگر چه میخواهید بکنید؟

مشاهده این فضای ملتهد و انفجاری جامعه است که امروز خامنه ای را به صرافت تذکر دادن به امام جمعه ها انداخته است. اما چهل سال دیر شده است. امام جمعه ها و در راس آنها خامنه ای و بیت رهبریش کانون دزدیهای میلیاردری و همه گونه تعرض به مردم و لجن پاشیدن به جامعه هستند.

برای حکومتیان دیگر به دست آوردن قلب مردم حتی اگر به طور جدی

ادامه از صفحه ۱
فحش میدهند و خشمشان را بیرون میریزند، و ناقوس مرگ حکومت اسلامی همه جا به صدا در آمده است.

امام جمعه ها منفورترین بخش حکومت در میان مردم هستند. اما کانون و مرکز نفرت مردم اتفاقا خود بیت رهبری و شخص خامنه ای است. دزدی و فساد و مزخرف گویی از همین منجلاط بالای حکومتی سرچشمه میگیرد. کل این جماعت به همراه عمله اکره و آفاز داده ها و نیروهای مسلح مزدورشان، بقول مردم جامعه را به گند گشیده اند. دزدی و جنایت و فساد و تحجر و خرافه پراکنی و نابود کردن محیط زیست و بی ارزش کردن جان انسانها به اوج خود رسیده است.

خامنه ای و حکومتیان اینست که شر خود را از سر مردم کم کنند. این را مردم با انقلابشان علیه باند مافیائی حاکم بزودی عملی خواهند کرد.

تلاش کنند، مطلقا غیر ممکن است. یک دریای عظیم خون و جنایت میان مردم و حکومت وجود دارد که با نصیحت و موعظه و روضه خوانی پر شدنی نیست. تنها راه برای

از صفحه ۴

بسیج میکند، آکسیون میگذارد، کار لابی ایستی میکند، افکار عمومی را بسیج میکند، کمپین سازمان میدهد و هر کس را که بتواند با آن همراه میکند تا جلو آنرا بگیرد و یا در بدترین حالت هزینه آنرا برای حکومت بالا ببرد. حزب در مقابل هر جنایت حکومت علیه مردم با حساسیت برخورد میکند و مردم را و جنبش های اعتراضی را نمایندگی میکند. این ناشی از احساس مسئولیت بالای حزب، انساندوستی حزب، سیاسی برخورد کردن حزب و قاطعیت حزب بعنوان یک نیروی سرسخت سرنگونی طلب است.

این رویکرد حزب در زمینه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از جمله فعالین کارگری یا فعالین حقوق زن و سایر فعالین جنبش های حق طلبانه یا دفاع از حقوق پناهندگان نیز هست. امیدوارم این رویکرد به الگوی همه احزاب مخالف جمهوری اسلامی تبدیل شود.

همینجا همه احزاب و کلبه مخالفین جمهوری اسلامی را صرفنظر از اهداف و سیاست های متفاوت آنها فرامیخوانم که به کارزار نجات جمشید شارمهد بپیوندند و با تمام توان برای نجات او به میدان بیایند.



انعکاس بین المللی دشمنان دادگاه جمشید شارمهد در رسانه های جهانی، از جمله گاردین و فرانکفورتر آلمانی، تیتز روزنامه فرانکفورتر آلمانی، 251 اعدام در ایران از آغاز سال

AMNESTY INTERNATIONAL::251 Hinrichtungen in Iran seit Jahresbeginn
251 Hinrichtungen in Iran seit Jahresbeginn

In Iran ist die Zahl der Hinrichtungen in den vergangenen sechs Monaten nach Angaben von Amnesty International drastisch gestiegen. Auch einem Deutsch-Iraner droht demnach die Exekution.

حجاب بی حجاب! جنبشی که حکومت را تکان داد

حکومت مزاحم زنان بیحجاب میشوند فوراً جمع شویم و آنها را گوشمالی دهیم، به کارزارهای جاری علیه حجاب اجباری و حجاب بی حجاب بپیوندیم و آنها را گسترش دهیم، دم ماموران حجاب و عفاف را قیچی کنیم و حکومت مستاصل اسلامی را به لبه پرتگاه نزدیک تر کنیم. اعلام کنیم که دور دور ماست، جنبش ما سر باز ایستادن ندارد و هر مانعی را از سر راه برمیدارد. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا در جهت تعمیق و گسترش و متشکل کردن و خودآگاهتر کردن جنبش رهایی زن تلاش میکند و همه مردم آزاده و سرنگونی طلب را به حمایت همه جانبه از این جنبش و از زنان بیحجاب فرامیخواند.

اعتراض مردم قرار گرفته و در سطح بین المللی و منطقه ای شکست پشت شکست را تجربه میکند، قادر به پیشبرد این سیاست نیست، شکست میخورد و آن وقت زنان و کل جامعه گویش را محکم تر فشار میدهند و نه تنها حجاب این ستون فقرات اسلام سیاسی کثیف و حکومتش را عملاً لغو میکنند بلکه تمام خاگریها را تصرف خواهند کرد.

جنبش علیه حجاب جنبش علیه تحقیر و توهین به زنان، ضد مذهبی و ضد اسلامی و بخشی از حرکت عظیم مردم برای خلاصی از شر این حکومت ضد انسانی است. جنبشی که مهر برابری و فرهنگ آزاداندیشانه و انسانی را بر سیاست و فرهنگ جامعه میکوبد. این یک جنبش عظیم حق طلبانه و بخشی از جنبش سرنگونی است و هر چه بیشتر تقویت شود امر سرنگونی حکومت منحوس اسلامی را نزدیکتر میکند و باید با تمام قوا تقویت شود.

فرصت مناسبی برای ما زنان و کل مردم فراهم شده که همبستگی مان را هر چه بیشتر تقویت کنیم، با دفاع پرشور از زنان بیحجاب خاگری اول را کاملاً تصرف کنیم، حجاب ها را بیشتر برداریم، حجاب برگیران جمعی را همه جا شروع کنیم، هر جا اوباش

به قاضی شرع سپرده اند. این قشون کشتی. ادامه سیاست همیشگی جمهوری اسلامی است اما این ابعاد از هجمه علیه زنان عکس العمل دفاعی و وحشت حکومت ضد زن در مقابل موج قدرتمند بیحجابی است که دیگر رعشه مرگ بر اندام حکومت و امام جمعه هایش انداخته است. در ماههای اخیر بیحجابی تعرضی تر شده و به اوج خود رسیده است. بسیاری از زنان در اکثر شهرها در متروها، اتوبوس ها، خیابانها، بازارها و فروشگاهها روسری شان را هم کنار زده اند. گشت ارشاد و ماموران عفاف و حجاب حریف زنان نمیشوند و برعکس این زنان هستند که شجاعانه در مقابل آنها میایستند و آنها را مورد تعرض قرار میدهند و مردم قاطع تر از همیشه با حمایت از زنان بیحجاب مانع دستگیری آنها میشوند. حکومت روز ۲۱ تیر را روز حجاب و عفاف اسلامی نامید و تلاش کرد با بسیج اوباش خود در این روز ورق را برگرداند اما زنان با کارزاری گسترده علیه آن تودهنی بزرگی به حکومت زدند، حجاب های بیشتری از سر برداشتند و این روز را به نقطه عطفی در جنبش رهایی زن تبدیل کردند. چند روز نگذشت که بیش از ۶۰۰ هزار نفر به کارزار علیه حجاب اجباری پیوستند. حتی جمع هایی

از زنان "محجبه" به کمپین علیه حجاب اجباری روی آورده اند. جنبش رهایی زن با پیشروی چشمگیرش در ماههای اخیر، قدم های مهمی به جلو برداشت، پا به مرحله تازه ای گذاشت، شبکه های خود را گسترش داد، بخش های مختلف جامعه و تشکل های مختلف کارگران، معلمان و نویسندگان و دادخواهان را حول خواست بحق خود به حرکت درآورد و دامنه همبستگی و همسرنوشتی میان جنبش های مختلف را بسیار عمیق تر و وسیع تر کرد.

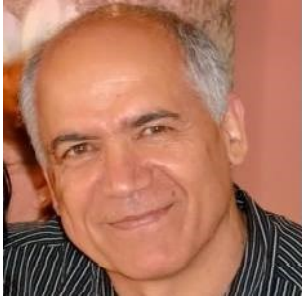
تعرض گسترده زنان علیه حجاب شکاف در میان حکومت و دار و دسته هایش را تشدید کرده است. یکی از آخوندهای حکومتی گفته است که "حجاب خاگری اول ماست، اگر سقوط کند بقیه خاگریها هم از دست می روند" و قبل از آن وزیر کشور گفته بود اگر انقلاب ضربه ببیند از ناحیه زنان خواهد بود. در مقابل، بخشی از حکومتیان هشدار میدهند که اینگونه مقابله آشکار با

نیمی از جمعیت کشور خطرناک است و فضا را بیش از پیش علیه حکومت قطبی میکند. میدانند حکومتی که مذهب و ایدئولوژی اش سکه یک پول شده است، حکومتی که مقدساتش را هر روز مردم به فحش میکشند، حکومتی که از همه سو مورد خشم و

این روزها خیل امام جمعه ها و مقامات و رسانه های حکومتی حملات لمپنی و شنیعی علیه زنان و بیحجابی برافه انداخته اند. هرچه کثافت در چنته دارند علیه نیمی از جامعه بیرون میریزند، هتاک علیه زنان را به حد اعلای خود رسانده اند، گشت ارشاد و اوباش امر به معروفشان را همه جا فعال کرده اند، حتی اعلام کرده اند که به زنان بیحجاب یا بدحجاب خدمات بانکی نمیدهیم، دستور داده اند که ماموران عفاف و حجاب در بانک ها مستقر شوند، اعلام کرده اند که زنان در تبلیغات نباید حضور داشته باشند، ادارات را زنانه مردانه کرده اند، حتی پارک ها را زنانه مردانه کرده اند و به سنگ قبر زنان بیحجاب هم دست درازی کرده اند، کافه ها و رستوران هایی که از ورود زنان و دختران "بدحجاب" جلوگیری نمی کنند را مهر و موم کرده اند، کتابهای درسی کودکان را مورد تعرض قرار داده اند، خشونت علیه زنان بیحجاب در خیابانها را به اوج خود رسانده اند، دستگیر میکنند، تهدید میکنند و همه ارگان ها و رسانه ها را به جان زنان انداخته اند. حتی در بیمارستان ها نیز برای جلوگیری از عمل های جراحی رحمی و برای تشویق زنان به بارداری گشت ارشاد گذاشته اند و حکم سقط جنین درمانی را

جنبش علیه حجاب جنبش علیه تحقیر و توهین به زنان، ضد مذهبی و ضد اسلامی و بخشی از حرکت عظیم مردم برای خلاصی از شر این حکومت ضد انسانی است. جنبشی که مهر برابری و فرهنگ آزاداندیشانه و انسانی را بر سیاست و فرهنگ جامعه میکوبد. این یک جنبش عظیم حق طلبانه و بخشی از جنبش سرنگونی است و هر چه بیشتر تقویت شود امر سرنگونی حکومت منحوس اسلامی را نزدیکتر میکند و باید با تمام قوا تقویت شود.

جنبش علیه حجاب جنبش علیه تحقیر و توهین به زنان، ضد مذهبی و ضد اسلامی و بخشی از حرکت عظیم مردم برای خلاصی از شر این حکومت ضد انسانی است. جنبشی که مهر برابری و فرهنگ آزاداندیشانه و انسانی را بر سیاست و فرهنگ جامعه میکوبد. این یک جنبش عظیم حق طلبانه و بخشی از جنبش سرنگونی است و هر چه بیشتر تقویت شود امر سرنگونی حکومت منحوس اسلامی را نزدیکتر میکند و باید با تمام قوا تقویت شود.



در مورد کارزار نجات جمشید شارمهد از اعدام

دو سوال از مینا احدی و اصغر کریمی



در مورد کارزار نجات جمشید شارمهد از اعدام سوال از اصغر کریمی

انترناسیونال: اصغر کریمی، مدتی است کارزار نجات آقای جمشید شارمهد از اعدام به ابتکار مینا احدی سازماندهی شده و به این مناسبت فعالیت های مختلفی صورت گرفته و این فعالیت ها همچنان ادامه دارد. مینا احدی از رهبری حزب کمونیست کارگری و جمشید شارمهد سخنگوی انجمن پادشاهی است یعنی دو جهت گیری و سیاست کاملاً متفاوت. برای خیلی ها این تفاوت و حتی تفاوت خیلی کمتر مانع تلاش و دخالت آنها در چنین مواردی میشود. حزب کمونیست کارگری چه رویکردی در این زمینه دارد؟

اصغر کریمی: رویکرد حزب کمونیست کارگری با اکثر قریب به اتفاق احزاب و سازمان های سیاسی متفاوت است. مقابله با اعدام یک فعال سیاسی بخاطر تفاوت اعتقادات او با ما مانع تلاش ما برای نجات او نمیشود. از نظر ما اعدام یک جنایت دولتی و یک قتل عمد دولتی و ضدانسانی است و صرفنظر از اینکه اعدام بخاطر فعالیت سیاسی باشد یا بدلیلی دیگر باید قاطعانه در مقابل آن ایستاد. از نظر ما نمیتوان مخالف اعدام بود و نسبت به احکام اعدام بی تفاوت بود. اعدام در همه کشورها در اساس به منظور حفظ قدرت اقلیت حاکم و تسلیم مردم به قوانین این طبقه صورت میگیرد و نه به منظور پیشگیری از جرم یا بخاطر اجرای عدالت. گرفتن جان یک انسان آنهم با دلایلی که در قوانین طبقه حاکم وجود دارد ربطی به اجرای عدالت ندارد. اما در جمهوری اسلامی اعدام از ابتدا با هدف ارباب جامعه و عقب راندن اعتراض مردم شروع شده و همچنان به همین منظور اجرا میشود و باید با تمام قوا با آن مقابله کرد. اعدام یک فعال سیاسی، صرفنظر از هر عقیده ای که داشته باشد و هر چقدر با عقیده شما مخالف باشد، صدمه ضرورت مقابله با آنرا بیشتر میکند. این رویکرد هر حزب اپوزیسیون باید باشد.

اعدام فعالین سیاسی یکی از مهمترین و شاید مهمترین ابزار سرکوب جمهوری اسلامی است و روشن است که هیچ نیروی اپوزیسیونی نمیتواند نسبت به آن بی تفاوت باشد. جریانات راست که تکلیفشان روشن است. آنها بعضاً با نفس اعدام هم مخالفتی ندارند. حکومت پهلوی شان هزاران فعال سیاسی را شکنجه و زندانی و صدها نفر از آنها را اعدام کرد و اینها هیچگاه آنرا محکوم نکردند. در مورد زندانیان سیاسی نیز بسیار حسابگرانه و دستچین شده و بسیار سکتی رفتار میکنند. اما در مورد سازمانهای چپ، اکثر قریب به اتفاق آنها مخالف مجازات اعدام هستند. بی تفاوتی آنها نسبت به حکم اعدام کسی مثل جمشید شارمهد اساساً ناشی از اختلاف سیاسی و رویکرد غیر سیاسی و ایدئولوژیک آنها است. متد ما با همه این جریانات عمیقاً متفاوت است.

حکم اعدام شارمهد و هر فعال سیاسی دیگری، که میدانیم با پرونده سازی و شکنجه های بیرحمانه همراه است، تعرض مستقیم و جنایتکارانه حکومت علیه همه فعالین سیاسی و همه فعالین جنبش های اعتراضی است. برای مقابله با مردم و عقب راندن مبارزات حق طلبانه مردم است. حزب ما قاطعانه آنرا محکوم میکند، رسانه ها را

ادامه در صفحه ۲

پیرامون کارزار نجات جمشید شارمهد از اعدام سوال از مینا احدی

انترناسیونال: مینا احدی شما و خانم غزاله شارمهد و تعدادی بیشتری از فعالین سیاسی و فعالین کارزار علیه اعدام مدتی است در ارتباط با کیس آقای جمشید شارمهد کارزاری برای آزادی او و نجات ایشان از اعدام توسط حکومت اسلامی، سازماندهی کرده اید. در این باره و برگزاری دادگاه آقای جمشید شارمهد که سه شنبه ۴ مرداد برگزار شد چه اقداماتی انجام داده اید و توضیح دهید که پرونده به کجا کشیده است؟

مینا احدی: کمپین نجات جمشید شارمهد، کمپینی است علیه آدم ربایی یک حکومت فاشیست اسلامی. اینها در روز روشن، فعال سیاسی را از کشورهای نزدیک به ایران می دزدند و با این عمل وحشیانه، مثلاً میخواهند قدر قدرتی خود را نشان دهند. آقای شارمهد یک گروگان این حکومت است. ۷۲۷ روز در انفرادی بوده، در این مدت با هیچکس تماس نداشته، داروهای او را به او نمیدهند و دندانپایش ریخته و مجبور است با لته غذا بخورد و حکومت اسلامی با وقاحت اما در مورد حمید نوری، عجز و لابه میکند که در زندان سوئد حقوق آن آدمکش رعایت نشده!

بهر حال ما در مقابل این آدم ربایی به همراه خانواده آقای شارمهد و پوینده دختر او غزاله و سازمانهای آلمانی و از جمله مریم کلارن دختر یک گروگان دیگر ایرانی-آلمانی خانم ناهید تقوی این کمپین را به پیش میبریم. ما یک نامه سرگشاده به خانم بریوک وزیر امور خارجه آلمان نوشته ایم که بیش از ۷۵ هزار نفر آن نامه را امضا کرده و از دولت آلمان میخواهد سکوت خود در مقابل این آدم ربایی را شکسته و حرفی بزند و اقدامی بکند. ما چندین کنفرانس مطبوعاتی سازمان داده و روز شنبه این هفته سه جولای میتینگی در مقابل کنسولگری حکومت اسلامی در فرانکفورت سازمان داده ایم.

آخرین دادگاه آقای شارمهد روز سه شنبه ۲۶ جولای در تهران بود که در آن قاضی صلواتی که به جنایتکاری و قسی القلب بودن معروف است دهها اتهام ساختگی را علیه آقای شارمهد در دادگاه خواند و در نهایت وقتی آقای شارمهد این اتهامات را رد کرد روی انفجار در حسینیه شیراز فوکوس کرد و به نوعی همه شاهد بودیم که با اتکا به همین اتهام و با سناریوسازی میخواهند به شارمهد این اقدام را تحمیل کنند، و میتوانند حکم اعدام صادر کنند و در دادگاه پنجم حتی از اعدام در ملاء عام حرف زدند. ما اینرا بشدت محکوم میکنیم و قبلاً هم گفته ایم در مورد همه اتهامات حاضریم هیئتی از آلمان به ایران فرستاده و تحت نظر وکلای بی مرز و یا حتی سازمان ملل و عفو بین الملل، کسانی به این اتهامات رسیدگی کنند و فاکتورها بر اساس استاندارد بین المللی بررسی کنند و تکلیف این شیطان سازی از آقای شارمهد را روشن کنند.

این کمپین مهم است چرا که در مقابل آدم ربایی حکومت و قوه قضاییه و سیستم قضایی قرون وسطایی حکومت هست و ما توانسته ایم توجه زیادی به این موضوع در آلمان و تا حدودی در رسانه های انگلیسی زبان جلب کنیم. دادگاه ششم جمشید شارمهد، در رسانه های بین المللی انعکاس گسترده ای داشته و باعث شده یکبار دیگر نگاهها به ابعاد گسترده اعدامها در چند ماه اخیر در ایران جلب شود. روزنامه مهم فرانکفورتر آلمگاینه امروز مطلب مفصلی در مورد کمپین نجات شارمهد و دادگاه او و همچنین گسترش آدم کشی حکومت اسلامی دارد. تیتراژ این مطلب اینست: ۲۱۵ اعدام در ایران از آغاز سال نو، همچنین روزنامه انگلیسی گاردین در این مورد مطلبی دارد که بسیار مهم است.

جمهوری اسلامی حکومت سیل و فاجعه

شهلا دانشفر



بازسازی سیستم مستهلک فاضلاب های شهری و یا سد سازی و غیره نشده است و قرار هم نیست صورت بگیرد. بدین ترتیب امنیت زیستی شهرها بشدت کاهش یافته و امروز بحث بر سر شکاف برداشتن زمین و دیوار و بی حفاظ بودن شهرها در برابر هر بلای طبیعی ای است. پشت همه این جنایات دزدی ها و چپاولگری های حکومت است. پشت همه این جنایات تخریب محیط زیست بخاطر سودجویی های باندهای مختلف سرمایه داری حاکم است. در برنامه بودجه شان امنیت مردم و مصون نگاهداشتن جان آنها از چنین بلایایی جایی ندارد. جایی مثل خوزستان بخاطر غیر استاندارد بودن فاضلاب های شهری با کوچکترین بارندگی فاضلاب شهر را فرا میگیرد و سیل های مرگبار جان مردم را تهدید میکند. حکومتی که مطلقا به فکر زندگی مردم نیست، حکومتی که فقط ویرانی میاورد باید سرنگون شود و سرنگونش میکنیم.

اند. در مقابل کار حکومتیان یکی تشکیل فوری کمیته بحران برای مقابله با هر اعتراضی است و دیگر هشدار دادن به مردم به فاصله گرفتن از بستر روخانه ها و یا تخلیه منطقه.

چندین سال است که سیل های سهمناک به خطری برای زندگی و جان مردم تبدیل شده است. از جمله سال 98 بود که سیل های مرگبار در شهرهای مختلف قربانیان بسیاری از مردم گرفت و صدها هزار نفر را بی خانمان کرد و میلیونها نفر را که اکثرا ز فقر و محرومیت شدید زندگی رنج میبردند، در شرایط جهنمی تری قرار داد. در آذر ماه 99 سیل جنوب ایران و در هفت استان فاجعه آفرید. سال ۱۴۰۰ نیز همین اتفاقات تکرار شد. و سیل استان های بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و جنوب کرمان و شهرهای دیگری را در بر گرفت و در فروردین ماه نیز، آبگرفتگی و سیلاب شهر شیراز را در بر گرفت و دروازه قرآن، مناطقی از بلوار امیرکبیر و جوادیه شیراز را هم درگیر شدند. بعد هم اسناد دزدی هایشان از شهرسازی و بستن راه خروج آب روشد.

شهرها و جاده ها وهمه جا به اماکنی نا امن برای مردم تبدیل شده اند. غارت محیط زیست که یک عامل مهم این وضعیت و این نا امنی است و هیچ بودجه ای هم برای جلوگیری از فجایعی چون سیل و

بود که تراکتور را با خود برد.

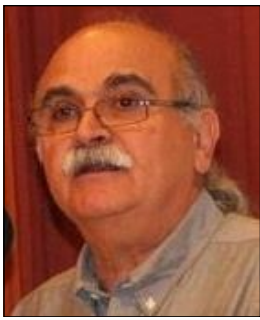
در جایی مثل سیستان و بلوچستان سرپرست سازمان آتش نشانی زاهدان از جان باختن دو کودک بر اثر ریزش آوار ناشی از بارندگی در زاهدان خبر میدهد. بنا بر خبر بر اثر بارش باران سقف خانه دوام نیاورده و این دو کودک زیر آوار آن جان خود را از دست داده اند و پدر خانواده نیز مصدوم شده است. و این منطقه ایست که هم از خشکی و بی آبی رنج میبرد و هم از سیل های سهمناک. و فقری همیشگی گریبانگیر این مردم است. گفته میشود تعداد تلفات سیل در این ستان حداقل پنج نفر بوده است. بنا به گفته محمدرضا حسینی سرپرست سازمان جهاد کشاورزی این سیل تا همین جا صدها میلیارد تومان به بخش کشاورزی در این استان خسارت وارد کرده است. از جمله بارندگی ها به محصول خرماي نخلستان های شهرستان های قصرقند، نیکشهر، سرباز، راسک، دلگان، مهرستان، قصرقند و فنوج در این استان آسیب زده است.

جمهوری اسلامی حکومت سیل است، حکومت زلزله است، حکومت کرونا است و تحت حاکمیت آن هر بلای طبیعی ای به فاجعه ای انسانی تبدیل میشود. حکومتی که مطلقا به فکر زندگی مردم نیست و فقط ویرانی میاورد. در کنار فقر مطلق سیل نیز بر آتش خشم مردم دامن زده است و همه جا بحث بر سر وضعیت نا امن شهرها و عدم اختصاص بودجه به امنیت جانی انسانها و دزدی ها و چپاولگری هاست. بنا بر خبرها دلیل نبود سازه های کنترل جریان آب و غیر استاندارد و مستهلک بودن سامانه فاضلات شهری و روستایی خطر سیل های مرگبار شهرهای بسیاری را تهدید میکند و مردم بدون هیچگونه تجهیزات جهت مقابله به کام آن رها شده

است که از تاریخ ششم تا یازدهم مرداد از مسیر های تند آب ها دوری کنند. این اخبار در پی اتفاقاتی که در دو روز اخیر در پی جاری شدن سیل در برخی مناطق از جمله در امامزاده داوود تهران و در سیستان و بلوچستان افتاده است و تلفات جانی و خساراتی سنگین همراه داشته موجب نگرانی شدید مردم شده است. از جمله طبق گزارشات سیل در امامزاده داوود تهران در چهارشنبه شب رخ داد و دست کم هفت کشته به جای گذاشته و تعداد مفقودین آن نامعلوم است. گفته میشود شمار کشته شدگان رو به افزایش است و ساکنان اطراف منطقه خانه های خود را تخلیه کرده اند. جالب اینجاست که در تهران هواشناسی ابتدا گزارش داده بود که بارانی نخواهد آمد و بعد به جای عذرخواهی خبر را حذف کردند. هم اکنون حجم زیادی از گل و لای منطقه امامزاده داوود تهران و روستاهای اطرافش را گرفته است و بعضا به ارتفاع 9 متر گل جمع شده است. عدم رعایت حریم آبراهه و تخریب کانال انتقال آب را به عنوان عوامل بروز سیل گزارش میکنند. سرپرست سازمان آتش نشانی تهران از ادامه جستجو و استفاده از سگ های زنده یاب جهت پیدا کردن مفقودین خبر داده است. طبق گزارشات مغازه ها، کسبه و واحدهای تجاری در این منطقه خسارت سنگینی دیده اند در چادگان اصفهان نیز سیل دامهای مردم را برد و موجب تلف شدن گوسفندان بسیاری شد. همچنین در رودهن و ابهر و روستای بارده در چهارمحال و بختیار سیل شدیدی جاری شد که در ابهر شدت سیل آنچنان

بارش باران در تهران و البرز شدیدتر شده است و سازمان هواشناسی ایران اعلام کرده است که در سه روز آینده امکان جاری شدن آب در معابر، سیلابی شدن رودخانه های فصلی و بالا آمدن آب آنها و وقوع طوفان وجود دارد. همچنین بنا بر خبرهای دریافتی امشب ششم مرداد بدنیاال جمع شدن ابرهای سنگین و خطرناک بر فراز آسمانهای استانهای فارس، اصفهان، یزد، بوشهر، کرمان و سیستان و بلوچستان بارانهای شدیدی جاری شده و بلافاصله به سیل تبدیل شده است. خبرها از جاری شدن سیلدر ۲۷ استان و وارد آمدن خسارت فراوان به مردم حکایت دارند. بسیاری از جاده ها بخاطر سیل مسدود شده است. آمار رسمی دولتی از 27 کشته گزارش میدهد. اما قطعا آمار واقعی فراتر از اینهاست و شمار بسیاری مفقود شده اند. همزمان با سیل و رانش زمین در منطقه تهران در روز گذشته بخشی از خیابان سپاه تهران نیز دچار فرونشست شده و خطر آفرین است. در رفسنجان دلیل بارندگی شدید و جاری شدن سیل برخی مناطق همچون ناصریه مردم منازل خود را تخلیه کرده اند. در فریزوکوه خبرها از کشته شدن شش نفر و مفقود گردیدن شماری گزارش میدهند. نیروهای " امداد" در جاهایی مردم را به تخلیه مسیر تند آب در تهران و البرز هشدار داده اند. درباره احتمال وقوع سیل در استان سیستان و بلوچستان، تهران، هرمزگان، کرمان، فارس، بوشهر، خوزستان و یزد هشدار داده شده است. از مردم خواسته شده





حجاب بی حجاب!

حمید تقوایی

اجباری. این دو حتما به هم مربوط هستند و ارتباطش را در سوال قبلی توضیح دادم. وقتی کسی شعار میدهد حجاب بی حجاب یعنی با نفس حجاب مخالفیم و حجاب را کنار میگذاریم و به این معنا دارد آن فلسفه، آن بینش، آن سیستم فکری که حجاب را علامت عفت و عفاف میداند زیر سوال میبرد و میگوید این را قبول ندارم. در واقع شعار حجاب بی حجاب تیشه به ریشه حجاب و بینش اسلامی مدافع حجاب میزند. مطالبه لغو حجاب اجباری خواست این جنبش صد حجاب هم هست دقیقا به این دلیل که حجاب چنین تحقیر و بی حقوقی ای را به زن تحمیل میکند و اجباری بودن آن بعنوان قانونی کردن این تحقیر و اهانت به زنان است. حجاب فلسفه عمومی حجاب را زیر سوال میبرد، حجاب بعنوان قفس متحرک زنان را زیر سوال میبرد و لغو حجاب اجباری میگوید از نظر قانونی باید زن آزاد باشد که پوشش را خودش انتخاب کند. البته کسانی هم هستند که صرفا با اجباری بودن حجاب مخالفند. آنها نقد عمیقی بر حجاب و سیستم فکری مذهبی که حجاب را توجیه میکند ندارند ولی آنها هم جزئی از جنبش علیه حجاب محسوب میشوند. امیدوارم مخالفین اجباری بودن حجاب هم در روند این مبارزه به ماهیت ارتجاعی حجاب اسلامی پی ببرند. در هر حال باید گفت این دو شعار کاملاً به هم مربوط هستند و ما می بینیم که امروز هر دو شعار موازی هم در جنبش رهایی ادامه در صفحه ۷

متحرک زنان است، یعنی دیوار آپارتاید جنسی و جدایی زن و مرد در جامعه است و به این عنوان ما اصولاً با حجاب اسلامی مخالف هستیم. منتها راه مبارزه با نفس حجاب اجباری کردن بی حجابی نیست بلکه روشنگری و آگاهگری است. این را هم بگویم که ما معتقدیم حجاب کودکان باید قانوناً ممنوع شود. حجاب کودک چه اختیاری و چه غیر اختیاری باید ممنوع بشود چون کودک هنوز به سن انتخاب نرسیده. کودکان مذهب ندارند. کودک هنوز به سنی نرسیده که خودش مذهب و یا بی مذهبی را انتخاب کند و یا حجاب داشته باشد و یا نداشته باشد. حجاب کودک با زندگی شاد و پرتحرک و بازی و ورزش دخترچه ها نیز در تناقض است. بنابراین علاوه بر لغو حجاب اجباری، حجاب کودکان هم باید ممنوع باشد.

کیوان جاوید: یک اتفاقی که درست بعد از همین روز کذایی عفاف و حجاب افتاد این بود که شعار حجاب بی حجاب وسیعاً رواج پیدا کرد. از سوی دیگر مخالفت با اجباری بودن حجاب هم همیشه گفتمان مطرحی بوده است. آیا رابطه ای بین او دو شعار هست؟ آیا این شعارهای متفاوت متعلق به جنبشهای متفاوتی هستند؟

حمید تقوایی: همانطوری که گفتید الان دو شعار خیلی در جامعه گسترده شده است که گرچه قبلاً هم مطرح بود ولی امروز دیگر تبدیل شده است به گفتمان عمومی. یکی حجاب بی حجاب است و یکی هم لغو حجاب

تا امروز ادامه دارد و حزب ما از همان آغاز علیه حجاب اجباری بوده و علیه آن مبارزه کرده است. این یک جنبه از قضیه است. از سوی دیگر ما علیه نفس حجاب اسلامی هستیم بعنوان تحقیر زن و نگاه به زن بعنوان کالای جنسی. نفس حجاب به این معنی است که زن برده جنسی شمرده میشود. حجاب در واقع بسته بندی شرعی زن برای اینست که فقط قابل استفاده از طرف صاحب کالا یعنی مردان محرم باشد. متأسفم که این کلمات را بکار میبرم ولی این فلسفه اسلام و حکومت اسلامی است. در اسلام زن هويت مستقلی ندارد؛ تحت قیمومیت مردان خانواده، پدر و برادر و یا شوهر است و از طرف دیگر باعث گناه و انحراف مردان تلقی میشود. ازینرو به نظر اسلاميون باید حجاب را حفظ کند تا از چشم مردانی که شرعاً قیّم او نیستند محفوظ بماند! حق استفاده انحصاری شوهر از زن در حجاب خودش را نشان میدهد. در مغز متحجر و مریض آخوندها و مذهبیون حاکم بدن زن باعث شر است، باعث اغوای مرد و فساد مردان است و بنابراین باید در حجاب محصور بماند برای استفاده انحصاری محرّمها! این تمام فلسفه حجاب جمهوری اسلامی است و به این معنا ما به عنوان یک سیستم فکری و ارزشی با فلسفه حجاب از پایه مخالف هستیم. ما در عین اینکه معتقدیم از نظر حقوقی باید حجاب اجباری لغو بشود ولی میخواهیم با مبارزه فرهنگی، آگاهگری و روشنگری ریشه حجاب را از جامعه براندازیم. حجاب در واقع قفس

کوبنده تر خواهد کرد. این اتفاقی بود که دقیقاً در مورد حجاب روی داد. نفس اعلام روز کذایی حجاب و عفاف کافی بود تا جنبش علیه حجاب و کلا علیه بیحقوقی زنان اوج تازه ای بگیرد و گسترده تر و تعرضی تر از هر زمان بمیدان بیاید.

کیوان جاوید: حزب کمونیست کارگری همیشه با حجاب اسلامی که رژیم به زنان تحمیل کرده است مخالف بوده و علیه آن مبارزه کرده است آیا شما با حجاب اجباری مخالفید یا با نفس حجاب اسلامی؟

حمید تقوایی: ما با هر دو مخالف هستیم منتها این مخالفت در دو عرصه مختلف مبارزاتی صورت میگیرد. از جنبه اول یعنی حجاب اجباری ما خواهان این هستیم که این قانون لغو بشود و حجاب، اجباری نباشد. ما طرفدار بی حجابی اجباری نیستیم ولی مخالف حجاب اجباری هستیم و معتقد هستیم که این تعرضی به حقوق زنان است و باید لغو بشود. جنبش علیه حجاب، جنبشی است که با همین مطالبه لغو حجاب اجباری از همان ماه اول بقدرت رسیدن رژیم آغاز شد. در همان ۸ مارس سال ۵۷، زمانی که هنوز عمر حکومت به یک ماه هم نرسیده بود، وقتی خمینی دستوری داد که حجاب را اجباری میکرد اولین و بزرگترین اعتراض علیه جمهوری اسلامی رخ داد. ده ها و صدها هزار زن و همچنین مردان آزادیخواه با شعارهایی نظیر "آزادی نه شرقی، نه غربی، جهانی است" و "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" علیه حجاب به خیابانها آمدند. این یک جنبش اجتماعی است که

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

کیوان جاوید: جمهوری اسلامی روز ۲۱ تیرماه را روز حجاب و عفاف اعلام کرد و با یک عکس العمل تعرضی شدید و گسترده توسط زنان و مردان آزادیخواه مواجه شد. از این اقدام جمهوری اسلامی و تعرض مردم چه ارزیابی ای دارید؟

حمید تقوایی: حمله جمهوری اسلامی به زنان و سختگیری در مورد پوشش و حجاب زنان همیشه اقدام و زمینه ای بوده است برای حمله به کل جامعه. حکومت به ۵۰ درصد جامعه تعرض میکند برای اینکه کل جامعه را مرعوب کند، برای اینکه همه را ساکت کند. در ماههای اخیر جمهوری اسلامی با دریائی از نفرت و خشم مردم روبرو بوده است و در برابر این شرایط تلاش میکند به هر وسیله و شیوه ممکن اعتراضات مردم را مهار کند و جامعه را مرعوب کند و به عقب براند. یکی از این شیوه ها شلاق کشیدن بروی زنان و تعرض به زنان است. بنظر علت اینکه امسال ۲۱ تیر را بعنوان روز عفاف و حجاب اعلام کردند و تلاش کردند که در کوچه و خیابان و اداره و محل کار و همه جا زنان را بخاطر بی حجابی یا بدحجابی تحت انواع فشارها قرار بدهند اقدامی از سر استیصال بود که به نتیجه ای هم نرسید. خشم و نفرت مردم از حکومت و سطح اعتراضات بخشهای مختلف جامعه و بویژه زنان عمیقتر و گسترده تر از آنست که حکومت بتواند با چنین اقداماتی مردم را به عقب براند. بر عکس اعتراضات را تعرضی تر و

حجاب بی حجاب!

حمید تقوایی

ادامه از صفحه ۶
زن مطرح میشود و آزادیخواهان چه زن و چه مرد این شعارها را علیه جمهوری اسلامی در دست گرفته اند.

کیوان جاوید: عده ای میگویند حجاب بخشی از ایدئولوژی حکومت و امری هویتی برای حکومت است و برخی هم آنرا مساله ای صرفا سیاسی میدانند. نظر ما چیست؟ آیا تاکید حکومت بر حجاب امری سیاسی است و یا عقیدتی، ایدئولوژیکی؟

حمید تقوایی: بنظر من یک تعرض سیاسی است که مثل هر سیاست و موضع دیگر حکومت با اتکا به اسلام آن را تبیین و توجیه میکند.

اصلا نفس اینکه در ایران حکومتی با پرچم اسلام روی کار آمد یک امر سیاسی بود و نه امری عقیدتی. به این دلیل نبود که جامعه عقاید مذهبی داشت، طرفدار آخوندها بود یا جامعه خیلی دوست داشت مذهب اسلام وارد قوانین بشود. جامعه علیه دیکتاتوری سلطنتی بپا خاسته بود و به انقلاب عظیمی شکل داده بود ولی یک نیروی ضدانقلابی به اسم خمینی و اسلاميون آمدند سوار آن انقلاب شدند و این بلا را بر سر جامعه آوردند که امروز می بینیم.

بنابراین بند ناف جمهوری اسلامی با اسلام سیاسی بریده شده است. اسلامی که در مقابل آزادیخواهی، برابری طلبی، و تمام آرمانها و خواستههای انسانی که در انقلاب ۵۷ مطرح بود و هنوز هم وسیعا در جامعه مطرح است می ایستد. اسلام برای این حکومت سیستم فکری عقیدتی است که با اتکا بر آن بتواند سیاستهای ضدانسانی اش را پیش ببرد. اگر فراموش نکرده باشید جامعه بعد از قیام بهمن به خانه نرفت. انقلاب در

سرکوب و کشتار است اما آنچه این سیاست را ایجاد میکند منافع زمینی مفتخوران سرمایه دار است که چه در این و چه در سطح جهانی به اسلام بعنوان آخرین اسلحه تقابل با نیروی چپ و آزادیخواهی و برابری طلبی نیازمند شده است. زن ستیزی جمهوری اسلامی را باید در این چارچوب دید. امروز حجاب پرچم نه تنها جمهوری اسلامی بلکه جنبش فوق ارتجاعی اسلام سیاسی در همه جای دنیا است. جنبش ضد انسانی ای که همه جا در مقابل جنبش رهائی زن، جنبش اته نیستی و ضد مذهبی و همه جنبشهای بر حق و برابری طلبانه قرار گرفته است.

کیوان جاوید: حکومتی ها میگویند حجاب خاکریز اول است و اگر ما اینجا کوتاه بیاییم سنگرهای دیگر را نمیتوانیم حفظ کنیم. این یعنی چه؟ منظورشان چیست؟ چرا حکومت حجاب را خاکریز اول میداند؟

حمید تقوایی: بنظر من درست میگویند و این را قبل از اینکه اینها اعتراف کنند، ما گفته بودیم. ما همیشه گفته ایم حجاب پرچم حکومتهای اسلامی و کلا جنبش ضد انسانی و فوق ارتجاعی اسلام سیاسی در ایران و در همه جای دنیا است. ببینید تا پنجاه سال قبل حضور زنان محجبه در خیابانهای اروپا امری عادی تلقی میشد. یک نوع لباس بود و نه سمبل و یا مظهر جنبش معینی. در خود ایران و در بقیه کشورهای خاورمیانه هم همینطور بود. ولی امروز زن محجبه نشانه ای از یک جنبش ارتجاعی است. یک جنبش تروریستی ضدانسانی که به آن میگوییم جنبش اسلام سیاسی و این جنبش در کشورهای در حاکمیت بخصوص

جمهوری اسلامی ستون فقرات این جنبش است و حجاب پرچم این حکومت و پرچم جنبش اسلام سیاسی است.

ازینرو باید گفت درست میگویند، اگر این پرچم از دستشان بیفتد مردم خاکریزهای دیگر را هم فتح می کنند. در ایران این خاکریز اول را هم تا حد زیادی جامعه فتح کرده است. میدانیم که حکومت علیرغم تمام تلاشهایش در تمام این چهل و اندی سال نتوانسته حجاب را عمومیت بدهد. نه تنها نتوانسته بلکه هر روز پی حجابی و بد حجابی گسترده تر شده و هر روز بخش بیشتری از جامعه فهمیده که حجاب اسلحه حکومت است برای سرکوب، برای تحمیل بی حقوقی نه تنها به زن بلکه به کل جامعه. به همین خاطر یک جنبش عظیمی که از زنان هم فراتر میرفت علیه حجاب شکل گرفته است.

بنابراین باید گفت حکومتی ها درست تشخیص داده اند. ما همیشه گفته ایم که عمر حکومت به تار موی بند است، به تار موی زنان. هم بطور سمبلیک این درست است و هم بطور واقعی. امروز خودشان دارند این را میگویند. میشود تصور کرد که روزی که زنان، حتی ۵۰ درصد زنان، بی حجاب به خیابان بیایند دیگر فاتحه حکومت خوانده شده است و باید برود. این را همه میدانند.

کیوان جاوید: حکومتی ها تبلیغات شنیع و مسممکننده ای علیه زنان به راه انداخته اند که حتی از گفتن اش انسان احساس شرم میکند. میگویند امروز حجاب را بسر چوب میکنند و فردا شورتشان را. از محمد و قران و دیگر مراجع اسلامی آیه و حدیث میاورند که کل بدن زنان عورت است. اولاً چرا این اراجیف را میگویند و ثانياً عکس العمل جامعه به این حرفهای مسممکننده چه هست؟

حمید تقوایی: اینها دارند نیروهای اوباش خودشان را اینطور تهییج و بسیج میکنند و سر خط میاورند! و تحقیر و توهین

به زنان در واقع با موجی از نفرت ۹۹ درصد جامعه روبرو است، اما از نظر حکومت تلاشی است، توجیهی است، برای اینکه اوباش خودشان را به قران و محمد و غیره مسلح کنند و به جان جامعه بیاندازند. این نوع اراجیف از مغز متحجر، عقب مانده، مریض و فاسد اسلاميون و آخوندهای حاکم در ایران برمیخیزد. تنها نتیجه این خزعبلات این است که جامعه خشم و نفرتش از این حکومت بیشتر و تعرض اش علیه آن گسترده تر و رادیکال تر میشود چنان که همین طور هم شده است. اینها یکنوع دست و پا زدنهای از سر استیصال حکومت است. حکومتی هائی که میدانند آفتابشان لب بام است، میدانند که دیگر فاصله چندانی با سقوط ندارند و ناگزیر به شنیع ترین و لجن ترین تبلیغات متوسل میشوند مگر بنحوی نیروهای سرکوب روحیه باخته شان را تهییج کنند و بیشتر به جان مردم بیاندازند. این فحاشی ها را هیچ نوع نتیجه ای برای حکومت نخواهد داشت برعکس زیربای حکومت را هر چه بیشتر خالی میکند و به سقوط نزدیکترش میکند.

کیوان جاوید: یک تجربه شخصی را تعریف کنم، جمعی از دوستان و فعالین در ایران میگفتند وقتی روز حجاب و عفاف را جمهوری اسلامی اعلام کرد ما در یک حرکت اعتراضی به خیابانها آمدیم و بی حجاب در خیابانها رژه رفتیم. میگفتند کسانی از حکومت ما را تعقیب کردند و خواستند که رعب و وحشت ایجاد کنند، ما به میان جمع رفتیم یعنی از جاهای خلوت بیرون رفتیم و به میان جمعیت رفتیم و مردم می گفتند که اگر شما را اذیت کردند، کتک میخورند. این یک نمونه است. نمونه دیگر این بود که دوستانی که تحصیل کرده و روشنفکر هستند ادامه در صفحه ۸

حجاب بی حجاب!

حمید تقوایی

از صفحه ۷

نصیحت میکردند که این دیگر خیلی خطرناک است که کاملاً بی حجاب در خیابان راه میروید. کمی رعایت کنید. شما این را چطور توضیح میدهید؟ به کسانی که هم حمایت می کنند و هم هشدار میدهند که بی حجابی خطرناک است چه باید گفت؟

حمید تقوایی: آن حرکت عمومی که نبض جامعه و کلا رویکرد جامعه را نشان میدهد همان جنبه اول است؛ یعنی حمایت مردان و زنان آزادیخواه از کسانی که بی حجاب هستند، و حمایت گسترده از زنان بی حجاب در مقابل تعرض اوباش حکومتی. کلیه‌های زیادی هست که نشان میدهد چطور مردم درگیر میشوند و گوشمالی میدهند این اوباشی را که باصطلاح نهی از منکر میکنند و به زنان تعرض میکنند. این بنظر من آن جریان عمده و گسترده و خصلت نمای جنبش بی حجابی است. است. منتها کسانی هم هستند که میگویند که این تند روی است، و یا میگویند این مساله فرعی را اصلی و عمده نکنید و غیره. این نوع موضعگیریه‌ها دو جنبه دارد. یک جنبه اینست که کسانی که این حرف را

میزنند هنوز در گذشته سیر میکنند و توازن قوای امروز نمی بینند. بنظم جامعه امروز تمام این نوع محافظه کاری ها را پشت سر گذاشته است. توازن قوای طوری است که زنان بی حجاب به خیابانها می آیند و از این حرکتشان کلیپ تهیه میکنند و روی مدیای اجتماعی میگذارند. در همین روز کذائی عفاف و حجاب تعداد زیادی کلیپ زنان بی حجاب منتشر شد. یعنی زنان نه تنها بدون حجاب در خیابان ظاهر میشوند بلکه ویدئوی آنها علنی میکنند تا هزاران و میلیونها نفر بتوانند آنها ببینند، با چهره خودشان و با هویت خودشان! این نشان میدهد که جامعه از این نوع ملاحظه و محافظه کاری ها عبور کرده است. حکومت در موقعیتی نیست که بتواند با بگیرد و ببندد در برابر زنان بی حجاب ظاهر شود. هر جا هم که این کار را کرده نتیجه عکس گرفته است. گذشته از این بحث توازن قوا، یک جنبه دیگر اینست که افرادی از یک موضع شبه دو خردادی اعلام میکنند با حجاب موافقم اما با اجبا ی بودن حجاب مخالفم. برخی خود را زن محجبه

مخالف حجاب اجباری معرفی میکنند و نگرانیشان هم اینست که اجباری بودن حجاب موجب تضعیف نظام میشود! بعضی هم این را در لفافه دلسوزی برای زنان بی حجاب و خطر ناک بودن بی حجابی و نظایر آن عنوان میکنند. در واقع میگویند حجاب را روی سر حفظ کنید ولی بگویید اجباری نباید باشد!

همانطور که بالاتر اشاره کردم مخالفت با اجباری بودن حجاب هم بخشی از جنبش ضد حجاب و رهایی زن است ولی نه با این نوع توجیها. باید در برابر گرایش محدود کردن نقد و اعتراض به حجاب به مخالفت با اجباری بودن آن و دفاع از حجاب اسلامی اختیاری ایستاد. این یک خط سیاسی معینی است که ریشه در گرایشات دوحردادی دارد. گرایشی که دوره اش در کل جامعه به سر رسیده است. شعار دیگه تمومه ماجرا پرونده این نوع گفتارها را هم برای همیشه بسته است.

کیوان جاوید: ارزیابی شما از این موقعیتی که الان وجود دارد چیست؟ این تقابل به نفع جمهوری اسلامی دارد تمام میشود و یا به نفع زنان؟

حمید تقوایی: بنظر من این نبردی بود که جمهوری اسلامی در آن بازنده کامل بود. حکومت سعی کرد در برابر موج خشم و نفرتی که

همه جامعه را گرفته، در برابر اعتصابات و تجمعات و اعتراضات کارگران، معلمان، زنان، جنبش دادخواهی، بازنشستگان و غیره با تعرض به زنان یکبار دیگر مردم را مرعوب کند و به خیال خودش مردم را عقب بنشانند ولی این به عکس خودش تبدیل شد. تعرض اجتماعی گسترده تری را باعث شد. مبارزه علیه حجاب و کلا علیه آپارتاید جنسی توهین و تحقیر به زنان همیشه در جامعه جاری بوده، اما این حرکت رژیم برآمد و جان تازه ای به این جنبش داد. باعث شد که جنبش ضد حجاب بسیار گسترده بشود و بخشهای دیگر جامعه مثل معلمان، کارگران، نویسندگان، هنرمندان و شخصیتهای آزادیخواه اینها هم توجه شان جلب بشود و به این حرکت پیوندند. الان طومارهایی و باصطلاح طوفانهای توتیتری براه افتاده در دفاع از شعار حجاب بی حجاب و لغو حجاب اجباری که ده ها و صدها هزار نفر به آن می پیوندند و این تبدیل شده است به یک موج وسیع علیه حجاب. این جنبش جان تازه ای گرفته است نه تنها بعنوان جنبش رهایی زن بلکه کلا بعنوان بخشی مهمی از جنبش سرنگونی طلبانه مردم. باید به این توجه کرد و متوجه شد که مساله زنان و مشخصا



مساله حجاب اجباری یکی از آن حلقه های کلیدی و عرصه های اصلی نبرد علیه کلیت جمهوری اسلامی است و در این نبرد تا همین جا جامعه گامهای بزرگی بجلو برداشته است. جنبش رهایی زن قدرتمند تر شده و به این اعتبار جنبش عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی تقویت شده و این یک گام بزرگ بجلو است برای زدن ضربه نهایی و بزیر کشیدن حکومت ضد زن جمهوری اسلامی.

۲۸ ژوئیه ۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سرمدیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جامعه ها منتشر می شود.

فیسبوک: حزب

www.facebook.com/wpkiran

اینستاگرام: wpk191

www.instagram.com/wpk191

تلگرام: wpk_ikkl

www.wpkiran.org

نابود باد جمهوری اسلامی!

یورش و حمله به زنان و بازداشت آنان هم جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۳ مرداد ۱۴۰۱ / ۲۵ جولای ۲۰۲۲

مبارزه زنان علیه حجاب اجباری از بدو بقدرت رسیدن حکومت اسلامی، مبارزه ای بی امان و پرقدرت بوده است.

در مقابل هجوم گشت ارشاد برای حجاب اجباری، زنان اینبار شمشیر را از رو بستند. دیگر ذره ای کوتاه نمی آیند و حجاب را از سر بر می دارند و پرت می کنند. در این مبارزه نابرابر ا فشار مختلف مردم و از همه سنین دیده می شوند. دیگر رژیم نمی تواند ادعا کند فقط عده ای قشر مرفح حجاب نمی خواهند. در طول چهل و اندی سال مردم برای حجاب اجباری روبروی رژیم جنگیدند.

یورش و حمله به زنان و بازداشت آنان هم جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد!

بدنبال اعتراض زنان به حجاب اجباری و پیوستن به کمپین حجاب بی حجاب و نه به حجاب اجباری، یکبار دیگر رژیم ضد زن جمهوری اسلامی تصمیم به یورش و حمله به زنان، نیمی از جامعه را با سرکوب و بازداشت آنان گرفت.

در پی این اعتراضات ملیکافره گوزلو و سوری بابایی وسپیده رشنو سه تن از زنان معترض به حجاب اجباری بازداشت شدند.

گاهی رژیم توانسته مبارزه علیه حجاب را با خشونت به عقب براند. ولی هرگز موفق نشده حجاب اجباری را در میان زنها نهادینه کند.

رژیم در طول این سالها پروژه های زیادی با سرمایه گذاری های کلان خرج تبلیغ حجاب و مبارزه با بی حجابی با پشتوانه صدا و سیما و نمازجمعه ها و گشت ارشاد و... کرده است، ولی همانطور که خودشان اعتراف کرده اند هرگز موفق نشدند حجاب را در میان زنان جا بیندازند. بلکه هر بار مردم با مبارزه علیه حجاب دولت را به عقب راندند. رژیم کاملاً میداند که اگر این سنگر تحجر و اپارتاید جنسی را از دست بدهد سرنگونی اش حتمی است. برای همین دست مامورهای گشت ارشاد را باز گذاشته و به سلاح مجهز کرده که هر خشونتی را اعمال کنند تا با هجوم وحشیانه در کوچه و خیابان زنها را بترسانند و زهر چشم بگیرند. اما در مقابل این هجوم وحشیانه

مردم با شعار «حجاب بی حجاب» نه به حجاب اجباری "به جنگ رژیم رفته اند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی حمله به زنان و حقوق پایه ای آنان و بازداشت آنان را قویاً محکوم میکند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط ملیکافره گوزلو و سوری بابایی وسپیده رشنو میباشد. ما از تمام مردم آزادخواه و انساندوست میخواهیم برای به عقب راندن رژیم اپارتاید جنسی در این

مبارزه، هر کجا گشت ارشاد به زنان حمله می کند، به دفاع از آنان برخیزند. مردم باید از زنان و مردانی که بر علیه حجاب اجباری مبارزه می کنند حمایت کنند. همچنین از تمام نهادها، سازمانها و احزاب سیاسی میخواهیم که صدای زنان بازداشتی و زنان در ایران را از هر طریق ممکن به گوش جهانیان برسانند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۳ مرداد ۱۴۰۱ / ۲۵ جولای ۲۰۲۲



در اعتراض به دستگیری و قیحانه مادران دادخواه، زنان و دختران آزاده، گروگانهای جنبش معلمان، کارگران و بازنشستگان متحد شویم. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران خواهان لغو حکم اعدام، آزادی بی قید و شرط بازداشت شدگان و بازداشت و محاکمه سران تبهکار رژیم اسلامی است! نه به اعدام! زنده باد آزادی و برابری! سرنگون باد رژیم منفور جمهوری اسلامی

کمیته تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ ژوئیه ۲۰۲۲

که وی در جنوب کشور عمان روبروده شده و به ایران منتقل شده است. این مضحکه بلافاصله از طرف وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، بعنوان "عملیات پیچیده!" در داخل ایران اعلام میشود و قرار است پاسخی به درماندگی و درپورگی محافل و مافیاهای اطلاعاتی رژیم و اقتدار پوشالی آنها باشد، قرار است سنگرهای حفاظتی درهم ریخته حاکمیتشان که دیگر قادر به حفظ حتی پرسنلشان هم نیست را مرمت کند. به کمپین امضا برای آزادی جمشید شارمهد بپیوندیم:

<https://chng.it/z8yhtg2fdH>
رژیم ترور، اعدام و ضد زن را تحریم کنید!
متحدانه به دستگیری، اعتراف کشی و اعدام در نظام سیاه اسلامی اعتراض کنیم!

دستاورد در بوق و کرنا میشود.

ابتدا محمود علوی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ادعا کرد جمشید شارمهد "در داخل ایران" توسط نیروهای اطلاعات دستگیر شده است. سپس روزنامه جوان، در گزارشی نوشت که "جمشید شارمهد" روز ۱۰ مرداد ۱۳۹۹ در تاجیکستان بازداشت شده است و بلافاصله دولت تاجیکستان رسماً تکذیب میکند، بعد باشگاه خبرنگاران جوان وابسته به صدا و سیما در گزارشی ادعا کرد "جمشید شارمهد" برای یک نشست سیاسی به ایران وارد شده بود و بعد از احساس خطر، قصد فرار داشته که در مرز ایران و پاکستان بازداشت می شود! اما اطلاعات موقعیت یاب تلفن همراه "شارمهد" نشان می دهد

گروگانی در آستانه اعدام!

کمیته تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران

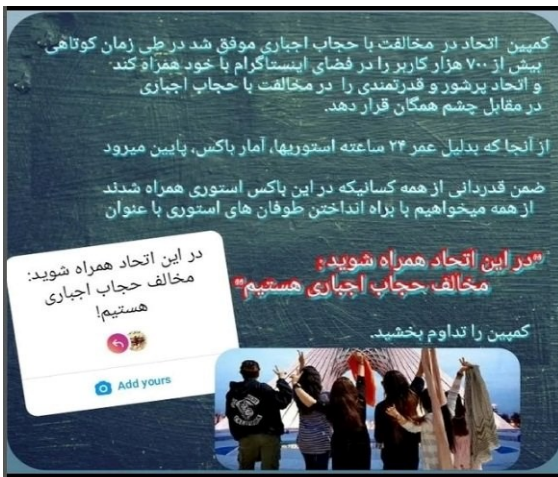
انفجار حسینیه سیدالشهدا شیراز"، "انفجار در سد سیوند" و "هماهنگی در حمله به رزمایش پیامبر اعظم". قرار است اعتبار بریاد رفته دستگهای امنیتی شان را برخ بکشد.

ریایش مخالفین رژیم در خارج از مرزهای ایران و بوسيله باندها و مافیاهای تروریستی و قاچاقچی سر به رژیم رویدادی تازه نیست، هنوز یکماه از شناسایی و دستگیری این اوباش در استانبول ترکیه نمی گذرد! که مضحکه دستگیری، شکنجه، اعتراف گیری و پاپوش دوزی برای "جمشید شارمهد" بعنوان

رژیم اسلامی ایران بحران عمیق سیاسی و اجتماعی، در اوج افلاس و پوسیدگی پاسخش به مبارزات گستره اجتماعی و سیاسی، تشدید فشار و بگرویبند چهرهها و فعالین جنبشهای است!

رژیم بخاطر عقب راندن جنبشهای هر روز رادیکالتر شده برابری طلبی و سرنگونی طلبانه جامعه اقدام به بگرویبند و حتی اعدام در ملاءعام میکند.

نقشه نخنمای ریودن و دادگاهی کردن "جمشید شارمهد" فعال سیاسی ایرانی_آلمانی و از فعالین مخالف رژیم در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۹ با اتهاماتی نظیر: "نقش داشتن در



دستگیرها و پرونده سازی ها و تشدید فشار بر روی بخش های مختلف معرض جامعه، هفته " عفاف و حجاب اسلامی" اش را علم کرد و روز 21 تیر را نیز تحت همین عنوان به راه انداخت تا با به میدان آوردن گشت های ارشاد و نیروهای متنوع سرکوبش در فضای پر تحرک اعتراضی جامعه قدرتمندی ای کند و بدین ترتیب تعرضی گسترده علیه زنان و کل جامعه را در دستور گذاشت. اما زنان و مردان معترض و کل جامعه با کارزار "حجاب بی حجاب" جانانه در برابر این قشون کشی ها ایستادند و زنان در پناه حمایت های مردمی با حجاب برگیران سراسری در بیست و یکم تیرماه پاسخ محکمی به سرکوبگران حکومت دادند و بیست و یکم تیر ماه را به روزی فراموش نشدنی و تاریخی در جنبش رهایی بخش زن تبدیل کردند.

به این مناسبت علاوه بر جدالی میدانی ما شاهد انتشار بیانیه های حمایتی از سوی تشکلهای گروههای از کارگران، بازنشستگان، دانشجویان، و فعالینی اجتماعی در همبستگی با کارزار حجاب بی حجاب بودیم. به این مناسبت هنرمندان با طرحها و

کارزار اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری

شهلا دانشفر

اتحاد همراه شوید، مخالف حجب اجباری هستیم" کمپین را تداوم بخشید. "فراخوان به جا ست و چنین کارزارهایی باید وسیع تکثیر شوند. کارزار "اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری" در بیست و نهم تیرماه آغاز شد و بطور واقعی ادامه کمپین "حجاب بی حجاب" و روز حجاب برگیران 21 تیر است.. در این کارزار طیف های وسیعی از مردم شرکت کردند. یک نمونه آن اعلام همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه است که بصورت پیامی در کانال مستقل کارگران هفت تپه درج شده بود.

همانطور که قبلا هم اشاره کردیم کارزار "حجاب بی حجاب" و حجاب برگیران سراسری روز ۲۱ تیر نقطه عطفی در جنبش جنبش علیه حجاب اجباری و علیه بساط آپاراتاید جنسی حاکم بود. در شرایطی که جامعه از اعتراض میجو شد جمهوری اسلامی در کنار

کارزار اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری "ندای زنان ایران" یک نهاد مدافع حقوق زن طی گزارشی از موفق بودن کارزار اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری و اینکه در زمان کوتاهی توانسته است بیش از ۷۰۰ هزار کاربر را در فضای اینستاگرام با خود همراه کند و اتحاد پرشور و قدرتمندی را در مخالفت با #حجاب_اجباری در مقابل چشم همگان قرار دهد، خبر میدهد. این موفقیت را به دست اندر کاران این کارزار و به جنبش رهایی زن شادباش میگویم. ندان زنان ایران در گزارش خود ضمن قدردانی از همراهی وسیع با آن بر گسترش این کارزار تاکید کرده و مینویسد: "از آنجا که بدلیل عمر ۲۴ ساعته استوریها، آمار باکس، پایین می رود. ضمن قدردانی از همه کسانی که در این باکس استوری همراه شدند از همه می خواهیم با براه انداختن طوفانهای استوری با عنوان "در این

همگرایی و اتحاد مردمی شکست دیگری بر حکومتیان تحمیل کرد. این اظهارات در خودحکومتیان و بلا گرفتن بیشتر نزاغهایشان به روشنی میتوان دید. و امروز بیش از پیش حجاب به یک موضوع سیاسی روز در جدال با حکومت آپاراتاید جنسی تبدیل شده است. حکومتیان در اظهاراتشان حجاب را سنگر اول خوانده اند و میگویند که اگر این سنگر را از دست دهند باقی سنگرها نیز از دست خواهد رفت. با اتحاد مبارزاتی ما میتوانیم و تمامی سنگرها را بدست آوریم. جمهوری اسلامی با کل بساط آپاراتاید جنسی اش باید به زباله دان تاریخ سپرده شود. شهلا دانشفر

کاریکاتوری های زیبایشان هنر آفرینی کردند. هنرمندانی ترانه سرایی کردند و ترانه هایی زیبا خوانده شد و کل جامعه مثل یک ارکستر هماهنگ سرود آزادی سر داد و مقابل تعرض حکومت قد علم کرد. در ادامه چنین تحرک اجتماعی وسیع است که اکنون شاهد استقبال صدها هزار نفره از کارزار اینستاگرامی علیه حجاب اجباری هستیم. و همه اینها تبلوری از صف متحد مبارزاتی مردم در برابر سرکوبگری های حکومت علیه زنان و کل جامعه است که در آن جنبش رهایی زن بیش از پیش به مرکز ثقل این اتحاد مبارزاتی تبدیل شده است. بدین ترتیب تا همین جا جنبش رهایی زن در یک

حبیبی، جعفر ابراهیمی، ناهید فتحعلیان، زینب همزنگ، معصومه عسکری، هاله صفرزاده، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، هیوا قریشی، امید شاه محمدی، کاوه محمدزاده، پرویز احسنی، مهدی فتیحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی، محمد حسین سپهری تعدادی از این معلمان از جمله رسول بداقی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، اسکندر لطفی در جریان پرونده سازی های امنیتی بعد از بازداشت ژاک پاری و سیسل کولر

آخرین اخبار از معلمان دربند و از کارزارها

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

امنیتی به عنوان چماقی بر روی سر معلمان و کل جامعه است. در همین راستا است که معلمانی که دارای پرونده امنیتی هستند مرتبا به دادگاه احضار شده و مورد محاکمه قرار میگیرند. در حال حاضر ۱۹ نفر از معلمان در زندانند. اسامی آنها عبارتند از: رسول بداقی، اسماعیل عبدی، محمد

از اردیبهشت تا کنون ۲۳۰ نفر از معلمان به خاطر مبارزاتشان بازداشت شده اند. در اعتراض به این سرکوبگری ها شمار بسیاری از آنان آزاد شده اند. اما بسیاری از این آزادی ها موقت و به قید وثیقه صورت گرفته است. هدف رژیم باز نگه داشتن پرونده های

مختلف کارگری، بازنشستگان و نهادهایی چون کانون نویسندگان ایران طی بیانیه هایی مستقل و عمومی اعتراض خود را به این دستگیری ها و سرکوبگری ها اعلام کرده اند. در سطح جهانی نیز در این هفته اتحادیه کارگری سراسری آلمان با بیش از ۶ میلیون عضو، با کارگران و معلمان زندانی در ایران اعلام حمایت و همبستگی کرده اند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲۶ تیر ۱۴۰۱

تحت عنوان همکاری با دسیسه جاسوسی بازداشت شده اند و الان نزدیک به دو ماه است که آنها در زندانند و تحت بازجویی های شدید قرار دارند. این افراد اجازه ملاقات ندارند. اجازه گرفتن وکیل ندارند و مدت بازداشت آنها مرتبا تمدید شده است. همراه با این پرونده سازی امنیتی حسن سعیدی، رضاشهبانی و واله زمانی از فعالین کارگری و آئیشا اسداللهی و کیوان مهدی از فعالین اجتماعی بازداشت شده اند. معلمان با کارزار گسترده مقابل این سرکوبگری ها ایستاده اند. تشکلهای